

دوماهنامه جستارهای زبانی

د، ش ۳ (پیاپی ۳۸)، مرداد و شهریور ۱۳۹۶، صص ۲۳-۴۲

بررسی سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی در زبان‌های آلمانی و فارسی

کاوه بهرامی*

استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات آلمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۰

دریافت: ۹۵/۷/۷

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی نقش‌های نحوی است که در زبان‌های مختلف برای ساخت بند موصولی در دسترس قرار دارند. این مقاله با استناد به پژوهش کینان و کامری، پس از ارائه نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف، سعی در نشان دادن جایگاه زبان‌های آلمانی و فارسی در این سلسله‌مراتب دارد. در این پژوهش با مقایسه‌ای مختصر میان زبان‌های آلمانی و فارسی در بحث ساخت بند موصولی، در پی پاسخ این پرسش هستیم که چه نقش‌های نحوی در زبان‌های آلمانی و فارسی برای ساخت بند موصولی در دسترس هستند و آیا میان این دو زبان در این زمینه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ علاوه بر این، به ارتباط میان راهبردهای ساخت بند موصولی و سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی نیز خواهیم پرداخت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با وجود استفاده دو زبان از راهبردهای مختلف برای ساخت بند موصولی، هر دو زبان تا سخت‌ترین جایگاه‌های نحوی که مفعول اضافی قرار دارد، امکان ساخت بند موصولی را ممکن ساخته‌اند. زبان فارسی در این خصوص یک مرحله از زبان آلمانی پیشی گرفته و حتی ساخت مفعول مقایسه‌ای و ساخت‌های هم‌پایه را نیز در دسترس قرار داده است.

واژگان کلیدی: سلسله‌مراتب، دسترسی نقش‌های نحوی، بند موصولی، رده‌شناسی زبان، زبان آلمانی، جهانی‌های زبان.

۱. مقدمه

ساختار بندهای موصولی^۱ که یکی از شناخته‌شده‌ترین انواع بندهای توصیفی^۲ به‌شمار می‌آیند، در زبان‌های مختلف از الگوی واحدی پیروی نمی‌کنند. برخی از زبان‌ها همانند زبان‌های آلمانی و روسی برای ساخت بند موصولی از ضمیر موصولی^۳ استفاده می‌کنند که این روش یکی از راهبردهای جهانی ساخت بند موصولی است (ر.ک: بهرامی، ۱۳۹۲). برخی دیگر از زبان‌ها همانند زبان ژاپنی از راهبرد حذف کامل اسم هسته^۴ استفاده می‌کنند و این راهبرد را دربارهٔ موصولی‌سازی تمامی نقش‌های نحوی نظیر فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیر مستقیم، مفعول حرف اضافه‌ای و غیره به کار می‌برند (Givón, 2001: 2/183). زبان‌های فارسی، انگلیسی و عبری نیز از این راهبرد نسبت به نوع جایگاه نحوی که قرار است موصولی شود، استفاده می‌کنند. راهبرد دیگری که در ساخت بند موصولی در زبان‌های دنیا متداول است تکرار اسم هسته در درون بند موصولی است^۵، بی‌آنکه تغییری واژگانی در آن رخ دهد. این راهبرد را نیز در زبان‌هایی همچون فارسی، تبتی، بامبارایی و انگلیسی می‌توان مشاهده کرد. یکی دیگر از راهبردهایی که برای ساخت بند موصولی از جایگاه‌های نحوی مختلف مطرح است، راهبرد استفاده از ضمائر شخصی^۶ است که در زبان‌های فارسی، انگلیسی، عبری و چینی نیز مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برخی از زبان‌ها همانند زبان آلمانی تنها از یک راهبرد برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کنند و این در حالی است که زبان فارسی از راهبردهای مختلفی برای این هدف بهره می‌برد. گیون (2001:2/199) پیشنهاد می‌کند، زبان‌هایی همانند زبان فارسی را که از راهبردهای واحدی برای ساخت بند موصولی استفاده نمی‌کنند، در گروه مجزایی با عنوان زبان‌هایی با «راهبردهای ترکیبی ساخت بند موصولی» قرار دهیم. این وضعیت دربارهٔ زبان‌هایی نظیر زبان چکی، یونانی و اسلوانی نیز حاکم است. پس نتیجه می‌گیریم که ساخت بند موصولی و یا به عبارتی موصولی‌سازی در زبان‌های مختلف دنیا یکی از مباحث مربوط به جهانی‌های زبان است. مقالهٔ پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ بدین پرسش‌هاست: آیا تمامی نقش‌های نحوی در یک جمله برای ساخت بند موصولی در دسترس هستند؟ آیا ساخت بند موصولی را می‌توان از هر جایگاهی در جمله آغاز کرد؟ زبان‌های مختلف از چه راهبردهایی برای رفع محدودیت‌های احتمالی بهره می‌برند؟ جایگاه

زبان‌های آلمانی و فارسی در سلسله‌مراتب یادشده چگونه است؟ علاوه بر این موضوع، به ارتباط میان راهبردهای ساخت بند موصولی با سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی نیز در بخش پایانی مقاله خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه تحقیق

یکی از موضوعات اصلی در بحث ساخت بند موصولی، سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی^۷ است. این بحث را نخستین‌بار کینان و کامری در سال ۱۹۷۷ مطرح کرده‌اند و از آن زمان تاکنون به یکی از مهم‌ترین مباحث در پژوهش‌های رده‌شناختی با محوریت بندهای موصولی تبدیل شده است. سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی این موضوع را مطرح می‌کند که در زبان‌های مختلف کدامیک از جایگاه‌های نحوی ساخت بند موصولی امکان‌پذیر است. کینان و کامری^۸ این سلسله‌مراتب را که قائل به قواعد جهانی‌های زبان است، بدین شکل مطرح کرده‌اند:

Subject > direct objekt > indirect object > object of pre- or postposition > genitive > object of comparison

پژوهشی که این دو زبان‌شناس انجام داده‌اند، نتیجه مقایسه پنجاه زبان است. هر قدر که از سمت چپ سلسله‌مراتب به سمت راست حرکت کنیم، میزان دسترسی جایگاه‌های نحوی برای ساخت بند موصولی کاهش می‌یابد. این پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی زبان‌ها، جایگاه نحوی فاعل برای ساخت بند موصولی در دسترس است. تفاوت میان زبان‌ها در بحث موصولی‌سازی از آنجا آغاز می‌شود که هر زبان تا چه جایگاهی در سلسله‌مراتب (به سمت راست)، امکان ساخت بند موصولی را دارد. در حالی‌که برخی از زبان‌ها تنها به موصولی‌سازی از جایگاه فاعل قادر هستند، در زبان انگلیسی تا جایگاه مفعول مقایسه‌ای برای ساخت بند موصولی در دسترس است. کینان (1985: 147) همین موضوع را در مقاله‌ای جداگانه با عنوان «بندهای موصولی» مورد بررسی قرار داده است. گیون (2001: 2/174) در جلد دوم کتاب خود با عنوان *نحو* فصلی را به موضوع بندهای موصولی اختصاص داده و به سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی نیز اشاره کرده است. همچنین کریستیان له‌مان^۹، زبان‌شناس آلمانی (1982/1984) نیز به این موضوع پرداخته است. در منابع فارسی اشاره‌های مختصری به



سلسله‌مراتب کینان و کامری شده است، از جمله می‌توان به کتاب *رده‌شناسی* به قلم پرویز البرزی (۱۳۹۲) اشاره کرد. همچنین صفوی (۱۳۸۰) و راسخ مهند (۱۳۹۱) نیز در قالب مقاله-هایی جداگانه به این موضوع پرداخته‌اند. در ادامه با حرکت از آسان‌ترین جایگاه که جایگاه فاعل است، به ترتیب نشان می‌دهیم که چه محدودیت‌هایی برای ساخت بند موصولی در زبان-های مختلف وجود دارد.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. ساخت بند موصولی از فاعل

زبان مالاگاسی^{۱۰} نمونه‌ای از زبان‌هایی است که در آن‌ها ساخت بند موصولی تنها از فاعل جمله اصلی امکان‌پذیر است. در نمونه‌های زیر می‌بینیم که ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم در این زبان به جمله‌ای نادرستی ختم می‌شود.^{۱۱}

(1) a. Manasa ny lamba ny vehivavy.

Wash the clothes the woman
,The woman is washing the clothes.‘

(1) b. Ny vehivavy (izay) manasa ny lamba...

The woman that wash the clothes
,The woman who is washing the clothes ...‘

(1) c. *Ny lamba (izay) manasa ny lamba...

The clothes that wash the woman
,The clothes that the woman is washing ...‘

در زبان مالاگاسی برای آنکه بتوانیم از مفعول مستقیم (در این‌جا: lamba «لباس‌ها») بند موصولی بسازیم، باید ساخت معلوم را به مجهول تبدیل کنیم. این تغییر در نمونه زیر رخ داده است.

(1) d. Sasan’ny vehivavy ny lamba.

Washed by the woman the clothes
,The clothes are washed by the woman.

بدین ترتیب مفعول مستقیم جمله معلوم در جایگاه فاعل جمله مجهول قرار می‌گیرد. تنها از این طریق است که ساخت بند موصولی با مفعول مستقیم در جایگاه اسم هسته (که در این‌جا

در نقش فاعل جمله مجهول قرار گرفته است) ممکن می‌شود.^{۱۲}

(1) e. Ny lamba (izay) sasan'ny vehivavy...

The clothes that washed by the woman

,The clothes that are washed by the woman ...'

برای نمونه‌ای دیگر از زبان‌هایی که در آن‌ها تنها ساخت بند موصولی از فاعل امکان‌پذیر است، می‌توان به زبان بیکول^{۱۳} اشاره کرد. در این زبان نیز همانند زبان مالاگاسی ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم تنها زمانی ممکن است که ساختار جمله تغییر کند و به ساخت مجهول تبدیل شود.^{۱۴}

(2) a. Nag-ta'o 'ang-lalake ning-libro sa- babaye.

AGT-give TOP-man PAT-book DAT-woman

,The man gave a book to the woman.'

(2) b. Marai 'ang-lalake na nag-ta'o ning-libro sa-babaye.

Good TOP-man REL AGT-give PAT-book DAT-woman

,The man who gave a book to the woman is good.'

(2) c. Marai 'ang-libro na na-ta'o kang-lalake sa-babaye.

Good TOP-book REL PAT-give AGT-man DAT-woman

,The book that was given to the woman by the man is good.'

(2) d. Marai 'ang-babaye na na-ta'o-an kang-lalake ning-libro.

Good TOP-woman REL DAT-give-DAT AGT-man PAT-book

,The woman that was given a book by the man is good.'

برای ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم (در این‌جا: libaro=«کتاب») و مفعول غیر مستقیم (babaye=«زن») باید هر کدام از این نقش‌های دستوری را به فاعل جمله مجهول تبدیل کنیم. تنها پس از این تغییر است که امکان ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم و غیرمستقیم فراهم می‌شود.



۲-۳. ساخت بند موصولی از فاعل و مفعول مستقیم

بخش دوم مربوط به زبان‌هایی است که در آن‌ها تنها امکان ساخت بند موصولی از طریق فاعل و مفعول مستقیم فراهم است. تنها دو جایگاه از سلسله‌مراتب جدول (۱) در این گونه از زبان‌ها برای ساخت بند موصولی در دسترس هستند. از جمله این زبان‌ها می‌توان به زبان ولشی^{۱۵} در ولز، زبان کین‌یارواندا^{۱۶} و زبان فنلاندی^{۱۷} اشاره کرد. در مثال‌های زیر از زبان ولشی می‌بینیم که ساخت بند موصولی از جایگاه فاعل و مفعول مستقیم بلامانع است. این در حالی است که ساخت بند موصولی از مفعول غیرمستقیم در این زبان‌ها ممکن نیست.^{۱۸}

(3) a. Y bachgen a oedd yn darllen...
The boy who was a' reading
,The boy who was reading ...'

(3) b. Dyma 'r llyfr y darllenais y stori ynddo.
Here-is the book that I-read the story in-it
,Here is the book in which I read the story.'

زبان کین‌یارواندا راهبرد ویژه‌ای برای ساخت بند موصولی از طریق مفعول غیر مستقیم ارائه می‌کند. همان‌طور که از مثال‌های (۴) می‌توان دریافت، در این زبان می‌توان با تبدیل مفعول غیرمستقیم به مفعول مستقیم، امکان ساخت بند موصولی را برای این نقش دستوری نیز فراهم ساخت.^{۱۹}

(4) a. Umugabo ya-tem-eje igiti **n-umupaanga**.
Man he-cut-ASP tree INSTR-saw
,The man cut the tree with **a saw**.'

(4) b. Umugabo ya-tem-ej-eesha **umupaanga** igiti.
Man he-cut-ASP-INSTR saw tree
,The man used **the saw** to cut the tree.'

(4) c. **Umupaanga** umugabo ya-tem-ej-eesha igiti...
Saw man he-cut-ASP-INSTR tree
,**The saw** the man cut the tree with ...'

در نمونه ۴ مفعول غیرمستقیم «umupaanga» (saw) به مفعول مستقیم تبدیل می‌شود. تنها در این حالت است که در این زبان امکان ساخت بند موصولی از طریق مفعول غیر مستقیم به عنوان اسم هسته بند ممکن می‌شود.

۳-۳. ساخت بند موصولی از جایگاه فاعل تا مفعول غیرمستقیم

در این بخش زبان‌هایی جای می‌گیرند که امکان ساخت بند موصولی در سه جایگاه نخست سلسله مراتب ساخت بند موصولی، در آن‌ها ممکن است. در زبان‌های تامیل^{۲۰} و رویانا^{۲۱} می‌توان علاوه بر ساخت بند موصولی از فاعل و مفعول مستقیم، از مفعول غیرمستقیم نیز به عنوان اسم هسته استفاده کرد. در نمونه‌های ه امکان ساخت بند موصولی در زبان تامیل از جایگاه فاعل تا مفعول غیرمستقیم دیده می‌شود.^{۲۲}

(5) a. Gizon-a -k emakume-a -ri liburu-a emen dio.
Man the SUBJ woman the IO book the give has
,The man has given the book to the woman.'

(5) b. Emakume-a -ri liburu-a eman dio-n gizon-a...
Woman the IO book the give has REL man the
,The man who has given the book to the woman ...'

(5) c. Gizon-a -k emakume-a -ri eman dio-n liburu-a...
Man the SUBJ woman the IO give has REL book the
,The book that the man has given to the woman ...'

(5) d. Gizon-a -k liburu-a eman dio-n emakume-a...
Man the SUBJ book the give has REL woman the
,The woman that the man has given the book to ...'

تمامی نقش‌های دستوری در زبان تامیل که در نمونه (5a) نشان داده شده است، اعم از فاعل (مرد / gizon)، مفعول مستقیم (کتاب / liburu) و مفعول غیرمستقیم (زن / emakume)، به ترتیب در نمونه‌های بعدی به عنوان اسم هسته بند موصولی به کار رفته‌اند.

۴-۳. ساخت بند موصولی تا جایگاه مفعول حرف اضافه‌ای

قاعده کلی درباره سلسله‌مراتب ساخت بند موصولی بدین گونه است که چنانچه در زبانی امکان ساخت بند موصولی در یکی از جایگاه‌ها ممکن باشد، دیگر جایگاه‌ها نیز که در سمت چپ جدول قرار دارند، می‌توانند به عنوان اسم هسته، عمل کنند (Keenan and Comrie, 1977: 68؛ صفوی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). به طور نمونه در زبان ولشی که در آن امکان ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم ممکن است، ساخت بند موصولی از فاعل نیز امکان‌پذیر است؛ زیرا جایگاه نقش دستوری فاعل در سلسله‌مراتب یادشده در سمت چپ مفعول مستقیم قرار دارد و یا در زبان تامیل، جایگاه مفعول غیرمستقیم می‌تواند برای ساخت بند موصولی به کار گرفته شود. از همین رو، مشاهده می‌شود که جایگاه‌های فاعل و مفعول مستقیم نیز در این زبان به عنوان اسم هسته کاربرد داشتند. بر اساس همین قاعده دیگر جایگاه‌هایی که در سمت راست نقش دستوری مورد نظر قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند برای ساخت بند موصولی مورد استفاده قرار گیرند. در گویش فرینگ^{۲۳} که امکان ساخت بند موصولی تا جایگاه مفعول حرف اضافه‌ای وجود دارد، ساخت بند موصولی از مفعول اضافی و مفعول مقایسه‌ای ممکن نیست. دلیل آن نیز روشن است: هر دو جایگاه در سمت راست مفعول حرف اضافه‌ای قرار گرفته‌اند. نمونه‌های زیر نشان می‌دهند که ساخت بند موصولی از مفعول اضافی در گویش فرینگ به جمله‌هایی نادستوری ختم می‌شود.^{۲۴}

(6) a. John kland det wuf^{۲۳} s henk.
,John stole the woman's chicken.'

(6) b. Det henk wat kland John...
,The chicken that John stole ...'

(6) c. *Det wuf wat's henk John kland...
,The woman whose chicken John stole ...'

کامری (1989: 157) در این ارتباط نمونه‌ای ارائه می‌کند که قابل تأمل است و نشان از ناپایداری قواعد همگانی‌های زبانی^{۲۵} دارد. کامری به شاخه‌ای از زبان‌های آستراندونزیایی اشاره دارد و تأکید می‌کند که در برخی از این گروه زبانی، ساخت بند موصولی از جایگاه فاعل ممکن است؛ اما ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم امکان‌پذیر نیست. طبق قاعده‌ای که در

بالا گفته شد، نمی‌توان در این زبان‌ها انتظار داشت که دیگر جایگاه‌هایی که در سمت راست مفعول مستقیم در سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی قرار گرفته‌اند، به عنوان اسم هستهٔ بند موصولی به کار روند. این در حالی است که برای نمونه در زبان مالایی^{۲۶} این قاعده نقض می‌شود. در این زبان جایگاه مفعول اضافی می‌تواند به عنوان اسم هستهٔ بند موصولی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع زبان مالایی قاعدهٔ همگانی‌های زبانی‌ای را که در بالا گفته شد، رد می‌کند. برای روشن‌تر شدن این بحث نمونه‌های ۷-۸ را بررسی می‌کنیم:^{۲۷}

(7) a. Gadis [yang duduk di atas bangku] itu kakak Ali.
Lady that sit on top bench the elder-sister Ali
,The lady who sat on the bench is Ali's elder sister.'

(7) b. Orang [yang abang -nya memukul saya] itu.
Person that elder-brother his hit me the
,The person whose elder brother hit me.'

در نمونهٔ ۷ از زبان مالایی نشان داده شده است که فاعل (gadis) در جایگاه اسم هستهٔ بند موصولی قرار گرفته است. در مثال بعدی مشاهده می‌کنیم که مفعول اضافی (orang) همین نقش را برعهده گرفته است و این در حالی است که در این زبان امکان ساخت بند موصولی از مفعول مستقیم و همچنین مفعول غیرمستقیم وجود ندارد. زبان مالایی را می‌توان به عنوان نمونه‌ای خلاف قاعدهٔ سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی در نظر گرفت.

۳-۵. ساخت بند موصولی تا جایگاه مفعول اضافی

پیش از آنکه جایگاه بندهای موصولی در زبان آلمانی را در سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی مشخص کنیم، به برخی از ویژگی‌های بندهای موصولی در این زبان می‌پردازیم. نخست آنکه ترتیب اجزای جمله در زبان آلمانی در جمله‌های پایه بر اساس الگوی فاعل-فعل-مفعول (SVO) و در جمله‌های پیرو، فاعل-مفعول-فعل (SOV) است. بندهای موصولی که یکی از انواع بندهای پیرو هستند، ساختار فاعل-مفعول-فعل دارند. علاوه بر این، بندهای موصولی در زبان آلمانی در گروه بندهای موصولی پسین^{۲۸} جای می‌گیرند. بدین معنا که بند موصولی پس از اسم هسته قرار می‌گیرد. در نمونهٔ ۸ این ساختار را نشان می‌دهیم:

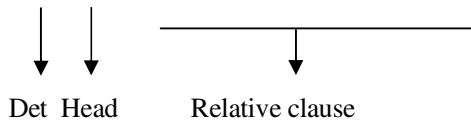


(8)[Der Mann, der dort steht], ist mein Lehrer.

مردی که آنجا ایستاده، معلم من است.

از برگردان فارسی مثال آلمانی درمی‌یابیم که همین وضعیت دربارهٔ بندهای موصولی فارسی نیز صدق می‌کند. بندهای موصولی در زبان فارسی نیز جایگاه پسین دارند. این در حالی است که در زبان‌های ژاپنی، ترکی استانبولی، کره‌ای و چینی اسم هسته پس از بند موصولی قرار می‌گیرد و از همین رو به این گونه از بندهای موصولی بند موصولی پیشین^{۲۹} گفته می‌شود. دسته‌بندی دیگری که دربارهٔ بندهای موصولی مطرح است، از سوی کینان (۱۹۸۵) ارائه شده است. در این دسته‌بندی جایگاه عنصر تعیین‌کننده^{۳۰}، اسم هسته و همچنین بند موصولی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس نظر کینان ترتیب قرار گرفتن اسم هسته، تعیین‌کننده و بند موصولی در زبان‌های مختلف یکسان نیست. زبان آلمانی در این دسته‌بندی از الگوی *Det+Head+Relative clause* پیروی می‌کند.

(9)Der Mann, der in seinem Büro arbeitet, ...



البته کینان ساختاری همانند نمونه (۱۰) را نیز جزو بندهای موصولی در زبان آلمانی ذکر می‌کند و معتقد است زبان آلمانی در بحث جایگاه حرف تعریف امکان استفاده از الگوی *Det+Relative clause+Head* را نیز دارد.

(10)Der in seinem Büro arbeitende Mann ...

اینکه آیا ساختاری نظیر مثال بالا را می‌توان جزو بندهای موصولی در زبان آلمانی در نظر گرفت، بحث مفصلی می‌طلبد که از موضوع مقاله حاضر خارج است. تنها به این نکته اشاره می‌کنیم که ساختار بالا با ویژگی‌های اصلی که برای بندهای موصولی در زبان آلمانی تعریف می‌شود، از جمله استفاده از ضمیر موصولی و تطابق آن با اسم هسته و فعل بند موصولی، تفاوت‌های بسیاری دارد.

پس از این مقدمه کوتاه دربارهٔ ساختار بندهای موصولی در زبان آلمانی، به موضوع

جایگاه آن در سلسله مراتب دسترسی نقش‌های نحوی می‌پردازیم. در زبان‌های آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی و رومانیایی امکان ساخت بند موصولی تا جایگاه نقش نحوی مفعول اضافی وجود دارد. در زبان آلمانی تمامی نقش‌های نحوی‌ای که در سمت چپ سلسله مراتب دسترسی نقش‌های نحوی قرار دارند، می‌توانند به عنوان اسم هسته بند موصولی به کار گرفته شوند. این ویژگی را از طریق نمونه‌های ۱۱ نشان می‌دهیم.

(11) a. **Der Mann schenkt seinem Sohn den Roman seines Freundes.**

مرد رمان دوستش را به پسرش هدیه می‌دهد.

(11) b. **Der Mann, der seinem Sohn den Roman seines Freundes schenkt,...**

مردی که رمان دوستش را به پسرش هدیه می‌دهد،...

(11) c. **Der Sohn, dem der Mann den Roman seines Freundes schenkt,...**

پسری که مرد رمان دوستش را به او هدیه می‌دهد،...

(11) d. **Der Roman, den der Mann seinem Sohn schenkt,...**

رمانی که مرد آن را به پسرش هدیه می‌دهد،...

(11) e. **Der Freund, dessen Roman der Mann seinem Sohn schenkt,...**

دوستی که مرد رمان او را به پسرش هدیه می‌دهد،...

(11) f. ***Der Mann, der die Frau größer als ist, ...**

مردی که آن زن از او بلندتر است،...

در نمونه (11b) فاعل جمله اصلی (11a) موصولی شده است که در بند موصولی نیز نقش فاعلی دارد. در نمونه (11c) مفعول غیرمستقیم جمله اصلی موصولی شده است که در بند موصولی نیز نقش مفعول غیر مستقیم دارد و از طریق ضمیر موصولی dem مشخص شده است. در نمونه (11d) مفعول مستقیم جمله اصلی موصولی شده است که آن را با ضمیر موصولی den در درون بند موصولی نشان داده‌ایم. در نمونه (11e) از ساخت اضافی بند موصولی ساخته‌ایم که در این مورد نیز زبان آلمانی خطای دستوری نشان نمی‌دهد. در نمونه آخر اما با ساخت بند موصولی از جایگاه مفعول مقایسه‌ای روبه‌رو هستیم که با توجه به مثال ۱۱ می‌توان دریافت به ساختاری نادرستی تبدیل شده است. نتیجه می‌گیریم که زبان آلمانی تا جایگاه مفعول اضافی را برای ساخت بند موصولی امکان‌پذیر ساخته است؛ اما ساخت بند موصولی از مفعول مقایسه‌ای در این زبان ممکن نیست. همین وضعیت نیز در زبان فرانسه



حاکم است: ۳۱

(12) a. Marie est plus grande que le jeune homme.
,Marie is bigger than the young man.'

(12) b. *Le jeune homme que Marie est plus grande ...
,The young man than whom Marie is bigger ...'

۳-۶. ساخت بند موصولی تا جایگاه مفعول ساخت مقایسه‌ای

گروه پایانی در سلسله‌مراتب یادشده مربوط به زبان‌هایی می‌شود که در آن‌ها تمامی نقش‌های نحوی برای ساخت بند موصولی قابل دسترس هستند. زبان فارسی، انگلیسی و اورهوبو^{۳۲} (Urhobo) از جمله معدود زبان‌هایی هستند که ساخت بند موصولی در آن‌ها در تمامی جایگاه‌های سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی امکان‌پذیر است. نمونه‌های (۱۳) از زبان انگلیسی این امکان را به خوبی نشان می‌دهند:^{۳۳}

(13) a. The man [who bought the book for the girl] ...

(13) b. The book [which the man bought for the girl] ...

(13) c. The girl [for whom the man bought the book] ...

(13) d. The boy [whose book the man bought for the girl] ...

(13) e. The boy [who the girl is taller than] ...

در نمونه آخر از زبان انگلیسی مشاهده می‌کنیم که ساخت بند موصولی از مفعول ساخت مقایسه‌ای نیز در این زبان ممکن است. در زبان فارسی نیز وضعیت به همین شکل است؛ اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، زبان آلمانی امکان ساخت بند موصولی از این جایگاه نحوی را در اختیار ندارد. زبان اورهوبو نیز ساخت بند موصولی را تا سخت‌ترین جایگاه سلسله‌مراتب نحوی قابل دسترس می‌داند.^{۳۴}

(14) Oshale na l- i Mary rho n- o...

Man the that Mary big than him

,The man that Mary is bigger than ...'

در این جا وضعیت ساخت بند موصولی در زبان فارسی را بررسی می‌کنیم. نمونه‌های ۱۵ نشان می‌دهند که ساخت بند موصولی از تمامی جایگاه‌های نحوی در زبان فارسی امکان‌پذیر است:

(۱۵-الف) مردی که کتاب را برای دختر خرید، ...

(۱۵-ب) کتابی که مرد آن را برای دختر خرید، ...

(۱۵-ج) دختری که مرد کتاب را برای او خرید، ...

(۱۵-د) پسری که مرد کتاب او را برای دختر خرید، ...

(۱۵-ه) پسری که آن دختر از او بلندتر است، ...

لهمان نمونه ۱۶ را از زبان فارسی ارائه می‌کند و معتقد است که ساخت بند موصولی در زبان فارسی حتی در ساختارهایی دشوارتر از مفعول ساخت مقایسه‌ای نیز با استفاده از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر^{۳۵} ممکن است (ر.ک: بهرامی ۱۳۹۲: ۶۶).

(۱۶) مردی که او و زنش دیروز آمدند، فردا می‌رود.

همین ساختار در زبان آلمانی که از راهبرد ضمیر موصولی^{۳۶} برای ساخت بندهای موصولی بهره می‌برد، جمله‌ای نادرستی را در پی خواهد داشت:

(17) *Derjenige Mann, der und seine Frau gestern kamen, reist morgen ab.

لهمان (1982:29) در پایان به درستی به این نتیجه می‌رسد که زبان فارسی به دلیل امکان ساخت بند موصولی از دشوارترین جایگاه‌های نحوی در مقایسه با زبان آلمانی، توانایی بالاتری در بحث ساخت بند موصولی دارد.

۴. سلسله‌مراتب دسترسی و راهبردهای ساخت بند موصولی

زبان‌ها برای ساخت بند موصولی از راهبردهای متفاوتی بهره می‌برند. برخی از زبان‌ها همانند زبان آلمانی تنها از یک راهبرد برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کنند که همان راهبرد حفظ و تکرار ضمیر از طریق ضمیر موصولی است؛ اما گروه دیگری از زبان‌ها، همانند زبان فارسی و انگلیسی، راهبردهای متفاوتی را برای ساخت بند موصولی به کار می‌گیرند، از جمله راهبرد حذف کامل هسته^{۳۷} و راهبرد حفظ و تکرار ضمیر. پرسشی که در این بخش به دنبال پاسخ آن هستیم، این است که آیا می‌توان ارتباطی میان سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی با راهبردهای ساخت بند موصولی متصور بود؟ در جدولی که کینان و کامری (1997: 93) ارائه کرده‌اند، زبان‌هایی را مشاهده می‌کنیم که از راهبردهای حذف کامل هسته و راهبرد حفظ و تکرار ضمیر پیروی می‌کنند. در ارتباط با این جدول تعمیم‌هایی^{۳۸} وجود دارد که در این جا بدان

می‌پردازیم. نخست آنکه اگر زبانی در هر یک از جایگاه‌های سلسله‌مراتب دسترسی، راهبرد حفظ و تکرار ضمیر از طریق ضمیر شخصی را به کار گیرد، در تمامی جایگاه‌های دیگر به سمت راست (جایگاه‌های دشوارتر) نیز از همین راهبرد تبعیت خواهد کرد. برای مثال، زبان فارسی ساخت بند موصولی از جایگاه نحوی فاعل را از طریق راهبرد حذف کامل هسته ممکن می‌سازد و از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر برای جایگاه نحوی مفعول مستقیم استفاده می‌کند. در این زبان، از همین جایگاه در سلسله‌مراتب یادشده به سمت دیگر جایگاه‌های نحوی در سمت راست، از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر استفاده می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، زبان اورهوبو نیز از نخستین جایگاه نحوی (فاعل) از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر استفاده می‌کند و همین راهبرد را تا دشوارترین جایگاه که همان مفعول ساخت مقایسه‌ای است، ادامه می‌دهد. علاوه بر این، در جدول کینان و کامری می‌بینیم که زبان‌های فارسی، عبری و عربی هر سه از جایگاه فاعل، از راهبرد حذف کامل هسته و از جایگاه مفعول مستقیم تا مفعول ساخت مقایسه‌ای از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر بهره می‌برند. تعمیم دیگری که در جدول ذکرشده قابل تأمل است، مربوط به راهبرد حذف کامل هسته است. چنانچه در زبانی در یکی از جایگاه‌های نحوی از این راهبرد استفاده شود، سایر جایگاه‌های نحوی به سمت چپ نیز از همین راهبرد برای ساخت بند موصولی پیروی خواهند کرد. برای نمونه می‌توان در این رابطه به زبان ژاپنی اشاره کرد. در این زبان تا جایگاه مفعول حرف اضافه از راهبرد حذف کامل هسته استفاده می‌شود. دیگر جایگاه‌های نحوی که در سمت چپ مفعول حرف اضافه قرار دارند، از جمله مفعول غیرمستقیم، مفعول مستقیم و فاعل از همین راهبرد برای ساخت بند موصولی بهره می‌برند. همین شرایط را در جدول کینان و کامری در ارتباط با زبان‌های ترکی، کره‌ای، رویانا و مالایی مشاهده می‌کنیم.

از سوی دیگر، باید به این نکته نیز توجه داشت که زبان‌ها بیشتر از جایگاه‌های «آسان‌تر» برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کنند. در منابع نیز از واژه‌هایی همانند جایگاه‌های «آسان» و «سخت» در ارتباط با ساخت بند موصولی استفاده شده است (Lehmann, 1982). برای روشن ساختن این موضوع از نمونه‌هایی از زبان فارسی کمک می‌گیریم. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، زبان فارسی امکان ساخت بند موصولی تا دشوارترین جایگاه نحوی، یعنی مفعول ساخت مقایسه‌ای را در اختیار دارد.

(۱۸-الف) این دختر از آن پسر کوتاه‌تر است.

(۱۸-ب) دختری که از آن پسر کوتاه‌تر است.

(۱۸-ج) پسری که آن دختر از او کوتاه‌تر است.

در نمونه ۱۸-ب ساخت بند موصولی از جایگاه فاعل صورت گرفته است که نخستین جایگاه در سلسله‌مراتب دسترسی نقش‌های نحوی است. در نمونه آخر مشاهده می‌کنیم که ساخت بند موصولی از جایگاه مفعول ساخت مقایسه‌ای صورت گرفته است که دشوارترین جایگاه در سلسله‌مراتب یادشده است. با وجود آنکه نمونه آخر نیز از نظر ساخت دستوری صحیح است؛ اما در زبان فارسی ترجیح بر استفاده از ساخت آسان‌تری همچون جمله ۱۸-ب است. کینان و کامری (۱۹۷۷: ۹۰) در همین ارتباط فهرستی از زبان‌هایی ارائه داده‌اند که در آن‌ها گرایش به ساخت بند موصولی از جایگاه‌های آسان‌تر است. از این جمله می‌توان به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و سوئدی اشاره کرد. در برگردان نمونه‌های بالا به زبان آلمانی، مشاهده می‌کنیم که ساخت بند موصولی از جایگاه مفعول ساخت مقایسه‌ای به جمله‌ای نادرستی ختم خواهد شد؛ اما چنانچه همین ساخت را از جایگاه نحوی فاعل بسازیم، جمله‌ای دستوری خواهیم داشت.

(19a) *Derjenige Junge, der das Mädchen kleiner als ist,...

(19b) Dasjenige Mädchen, das kleiner als der Junge ist,...

له‌مان (۱۹۸۲: ۲۹۰) نیز در همین ارتباط به زبان آلمانی اشاره دارد و معتقد است که ساخت بند موصولی از جایگاه نحوی فاعل به مراتب آسان‌تر از دیگر جایگاه‌ها از جمله ساخت-های هم‌پایه است:

(20a) Der Mann, der mit seiner Frau gestern kam, reist morgen ab.

(20b) *Der Mann, der und seine Frau gestern kamen, reist morgen ab.

در نمونه‌های ۲۱ از زبان فرانسه نیز همین وضعیت را مشاهده می‌کنیم.^{۳۹}

(21a) La femme qui s' est fait voler le manteau ...

The woman who herself is caused to-steal the coat

,The woman who got her coat stolen ...'

(21b) La femme dont le manteau a été vole ...

The woman whose the coat has been stolen

,The woman whose coat was stolen ...'

در زبان فرانسه نیز نمونه اول که در آن بند موصولی از جایگاه فاعل ساخته شده است، در مقایسه با نمونه دوم که همین ساخت از جایگاه مفعول اضافی صورت گرفته است، برتری

دارد. نمونه‌های (۲۱) نشان می‌دهند که در زبان‌های مختلف گرایش اصلی به سمت ساخت بند موصولی از جایگاه نخست و یا دست‌کم جایگاه‌های آسان‌تر است.

جدول ۱: راهبرد تکرار ضمیر در ساخت بند موصولی^{۴۱} (Keenan and Comrie, 1977: 93)

Table1. Replication Pronoun Strategy in Making the Relative Clause

Language ^{۴۱}	Subj	DO	IO	ObI	Gen	OComp
Aoban (North-East)	(+)	+	+	+	+	+
Arabic	-	+	+	+	+	+
Batak	-	0	+	+	+	
Chinese (Pekingese)	-	+/-	+	+	+	+
Czech (colloquial)	-	+/-	+	+	+	+
Fulani (Gombe)	-	-	*	+	+	
Genoese	-	(+)	+	+	+	
Gilbertese	-	+	+	+	+	+
Greek (Modern)	-	-	+(?)	+(?)	+	+
Hausa	-	-	(+)	+	+	
Hebrew	-	+	+	+	+	+
Japanese	-	-	-	-	+/-	
Javanese	-	-	-	-	+	
Kera	-	+	+	+	+	*
Korean	-	-	-	-	+	0
Malay	-	-	-	-	+	*
Minang-Kabau	-	-	-	-/+	+	*
Persian	-	(+)	+	+	+	+
Roviana	-	-	-	-	+	0
Shona	-	-	-	(+)	+(?)	*
Slovenian	-	+	+	+	+	+
Turkish	-	-	-	-	+	+
Urhobo	+	+	+	+	+	+
Welsh	-	-	+	+	+	+
Yoruba	-	-	*	*	+	*
Zurich German	-	-	+	+	+	+

۵. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به موضوع دسترسی جایگاه‌های نحوی برای ساخت بند موصولی پرداخته شد. اگرچه زبان‌شناسان زبان‌های مختلف درباره این موضوع پژوهش کرده‌اند؛ اما تحقیقی مستقل که در آن زبان‌های فارسی و آلمانی از این منظر مورد بررسی قرار گیرند، تاکنون صورت نگرفته است. ازجمله نتایج این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که زبان‌های دنیا برای ساخت بند موصولی از جایگاه‌های نحوی مختلف، با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. به عبارت دیگر، تمامی جایگاه‌های نحوی برای ساخت بند موصولی در زبان‌های مختلف در دسترس نیستند. برخی از زبان‌ها برای ساخت بند موصولی از راهبردهایی نظیر تبدیل ساخت معلوم به مجهول استفاده می‌کنند. علاوه بر این مشاهده کردیم که زبان آلمانی با استفاده از راهبرد ضمیر موصولی تا جایگاه مفعول اضافی را برای ساخت بند موصولی در دسترس قرار می‌دهد. این در حالی است که زبان فارسی با استفاده از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر می‌تواند تا دشوارترین جایگاه سلسله‌مراتب، یعنی مفعول ساخت مقایسه‌ای را نیز برای ساخت بند موصولی در دسترس قرار دهد. از این نظر زبان آلمانی شباهت بیشتری با زبان فرانسه و زبان فارسی نیز قابلیت‌هایی همانند زبان انگلیسی دارد. می‌توان این گونه نتیجه گرفت که زبان‌هایی که از راهبردهای متنوع‌تری برای ساخت بند موصولی بهره می‌برند، جایگاه‌های نحوی بیشتری را نیز برای ساخت بند موصولی در اختیار قرار می‌دهند. علاوه بر این، به دو نمونه از تعمیم‌هایی که در جدول کینان و کامری قابل مشاهده هستند، اشاره شد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. relativsätze / relative clause
2. attributsätze
3. relativpronomen / relative pronoun
4. Lückenstrategie / Gap strategy
5. uneingeleitete relativsätze
6. pronomenerhaltungsstrategie durch personalpronomen / pronoun-retention strategy
7. mixed relativisation strategies
8. Keenan and Comrie
9. Lehmann

۱۰. زبان ملاگاسی (Madagassische sprache) یکی از شاخه‌های خانواده زبانی آستراندونزیایی است که در کنار زبان فرانسه، زبان رسمی کشور ماداگاسکار است (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۲۵).
۱۱. مثال‌ها برگرفته از کینان (1985: 156).
۱۲. ر.ک: کینان و کامری (1977: 68) و کامری (1989: 156).
۱۳. زبان بیکول (Bikol) از شاخه‌های زبان‌های آستراندونزیایی است که در یکی از مناطق کشور فیلیپین به همین نام کاربرد دارد (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۲۰).
۱۴. نمونه‌ها برگرفته از گیون (2001: 2/193).
۱۵. زبان ولشی (Walisische sprache) شاخه‌ای از زبان‌های سلتی است (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۱۰).
۱۶. زبان کینیارواند (Kinyarwanda) در کنار زبان‌های انگلیسی و فرانسه یکی از سه زبان رسمی کشور رواندا در آفریقا است (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۲۴).
17. Finnische Sprache
۱۸. نمونه‌ها برگرفته از کینان و کامری (1977: 70).
۱۹. نمونه‌ها از گیون (2001: 2/196).
۲۰. زبان تامیل (Tamil) از شاخه زبان‌های دراویدی در ناحیه شمالی سریلانکا است (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۱۷).
۲۱. رویانا (Roviana) از زبان‌های خانواده آستراندونزیایی است.
۲۲. نمونه‌ها برگرفته از کینان و کامری (1977: 72).
۲۳. گویش فرینگ (Fering) از گویش‌های زبان فریزی است که مربوط به شاخه‌ای از زبان‌های ژرمنی است (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۹).
۲۴. نمونه‌ها برگرفته از کینان و کامری (1977: 74).
25. language Universals
۲۶. Malaiische Sprache زبان مالایی زبان رسمی مالزی و اندونزی است و در برونئی و سنگاپور نیز کاربرد دارد (ر.ک: کامری، ۱۳۸۴: ۲۰).
۲۷. مثال‌ها از کامری (1989: 157).
28. postnominale Relativsätze / Postnominal Relative Clause
29. pränominal Relativsätze / Prenominal Relative Clause
30. determinator / determiner
۳۱. نمونه‌ها برگرفته از کینان و کامری (1977: 74).
۳۲. زبانی است در جنوب نیجریه.

۳۳. مثال‌ها از کامری (1989: 155).

۳۴. نمونه‌ها برگرفته از کینان و کامری (1977: 75).

35. pronoun-retention strategy

36. relative pronoun strategy

37. gap strategy

38. generalisation

۳۹. نمونه‌ها برگرفته از کینان و کامری (1977: 91).

۴۰. توضیح کینان و کامری (1977: 93) در مورد جدول ارائه شده در مقاله، بدین شرح است:

„+ means that personal pronouns are normally present in that position when it is relativized, using that RC-forming strategy which admits of pronoun retention. (+) means optional retention. +/- means that in some cases the pronoun is retained and in others it is not. – means that pronouns are usually not retained. * means that that NP position does not naturally exist in that language. 0 means that that position is not relativizable, and a blank means that we lack the relevant data. An entry of the form x(?) means that our data are uncertain but x is our best guess.“

۷. منابع

- البرزی، پرویز (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان*. تهران: امیرکبیر.
- بهرامی، کاوه (۱۳۹۲). «بررسی رده‌شناختی راهبردهای ساخت بند موصولی در زبان‌های فارسی و آلمانی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. ش ۱. صص ۶۱-۷۶.
- راسخ مهند، محمد و همکاران (۱۳۹۱). «تبیین نقشی خروج بند موصولی در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۴. ش ۱. صص ۲۱-۴۰.
- صفوی، کورش (۱۳۸۰). *گفتارهایی در زبان‌شناسی*. تهران: هرمس.
- کامری، برنارد و همکاران (۱۳۸۴). *زبان‌های دنیا. چهار مقاله در زبان‌شناسی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: سعادت.

References

- Alborzi Verki, P. (1997). *Language Typology*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Bahrami, K. (2013). “A typological analysis of relativisation strategies in Farsi and German”. *Research in Foreign Languages*. N. 3(1). Pp. 61-76 [In Persian].
- Comrie, B. (1989). *Language Universals, Linguistic Typology. Syntax and*



Morphology. 2. überarb. Aufl. Oxford: Blackwell.

- Givón, T. (2001). *Syntax: An Introduction*. 2. überarb. Aufl. 2 vols. Amsterdam [u.a.]: Benjamins.
- Keenan, Edward L. and B. Comrie (1977). "Noun phrase accessibility and universal grammar". *Linguistic Inquiry*. No. 8. Pp. 63-99.
- Keenan, Edward L. (1985). "Relative clauses". In: Shopen, Timothy (Hrsg.). *Language Typology and Syntactic Description*. vol. 2: *Complex constructions*. Cambridge [u.a.]: Cambridge University Press. Pp. 141-170.
- Lehmann, Ch. (1982). "Der relativsatz im Persischen und Deutschen: eine studie in funktioneller kontrastiver Linguistik". *IRAL*. No. 20. Pp. 279-296.
- Lehmann, Ch. (1984). *Der Relativsatz: Typologie Seiner Strukturen, Theorie Seiner Funktionen, Kompendium Seiner Grammatik*. Tübingen: Narr.
- Mahootian, Sh. (2006). *Persian*. 2. Aufl. London [u.a.]: Routledge.
- Rasex Mahand, M. (2012). "The functional explanation of relative clause extraposition in Persian". *Researches in Linguistics*. N. 4(6). Pp.21-40 [In Persian].
- Safavi, K. (2001). *Papers on Linguistics*. Tehran: Hermes Publications [In Persian].
- ----- (2005). *World Languages. Four papers in Linguistics*. Tehran: Saad. [In Persian].